

انتقاد تلویحی روزنامه اصولگرا از حسین شریعتمداری:

مگر می‌شود خودسری در دفتر آقا تا این حد برسد؟

روزنامه اصولگرای جوان با انتقاد از آنها که به دنبال دوقطبی سازی بین رهبری و دفتر ایشان هستند، نوشت: نه آنکه بگوییم دفتر، خود آقاست؛ طبعاً چنین نیست، اما اینکه آنان در بیان مواضع رهبری، نقش مستقل یا خودسرانه دارند و می‌توانند نظری مخالف نظر رهبری را به عنوان نظر رهبری به جامعه قالب کنند و رهبری هم توانایی برخورد و کنترل اوضاع را ندارند، قابل پذیرش نیست.

به گزارش سایت خبری پرسون، در حالی که حسین شریعتمداری روز گذشته با انتقاد از مهدی فضایی گفته بود «بیت رهبر معظم انقلاب» «سخنگو» ندارد و چنانچه تذکری ضرورت داشته باشد، مستقیماً و با ذکر مأخذ از سوی دفتر معظم‌له (آقایان گلپایگانی و حجازی) به اطلاع مخاطبان آن می‌رسد» اکنون روزنامه اصولگرای جوان با انتقاد از آنها که به دنبال دوقطبی سازی بین رهبری و دفتر ایشان هستند، نوشت: نه آنکه بگوییم دفتر، خود آقاست؛ طبعاً چنین نیست، اما اینکه آنان در بیان مواضع رهبری، نقش مستقل یا خودسرانه دارند و می‌توانند نظری مخالف نظر رهبری را به عنوان نظر رهبری به جامعه قالب کنند و رهبری هم توانایی برخورد و کنترل اوضاع را ندارند، قابل پذیرش نیست.

روزنامه جوان در یادداشتی نوشت؛ سه روز از توییت یک عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبری درباره تذکر به مسئولان می‌گذرد و هنوز بحث‌ها پیرامون گشت ارشاد و دلیل تذکر رهبری و چرایی انتشار این توییت و موج حملاتی – شاید سازمان یافته- علیه دفتر حفظ و نشر آثار رهبری کم و بیش داغ است.

در ورای این بحث و مجادله، موضوعی مهم‌تر رخ نموده که اهمیت آن این قدرت را دارد که کل موضوع توییت و تذکر در برخی نحوه‌های اجرایی گشت ارشاد را صرفاً به عنوان یک «مصادق» از مفهوم خود قرار دهد. اما این موضوع مهم چیست؟ تلاشی منفور برای القای دوقطبی رهبری و دفتر رهبری.

دفتر رهبری یا دفتر حفظ و نشر آثار ایشان طبعاً همچون خود رهبری نیستند، اما این هم که تصور شود رهبر و دفتر دو قطب مخالف یکدیگر هستند، دور از تعقل و سیاست‌ورزی و همراه با تبعات خطرناکی است.

آنچه پس از توییت عضو دفتر نشر، در فضای مجازی از سوی جریانی تندرو غلبه یافت، القای خودسری این فرد و علنی کردن تذکر برخلاف نظر رهبری بود. برخی از مردم عادی هم، چون تذکر رهبر معظم انقلاب به فراجا را قابل هضم در چارچوب فکری خودساخته‌شان ندیدند، این تحلیل کذایی را به عنوان خبر صادق پذیرفتند که آن توییت خودسرانه زده شده است. اما هیچ کس از میان این جمع نخواست به این موضوع فکر کند که مگر می‌شود خودسری در دفتر رهبری تا این حد برسد که علنی، رسمی و به اسم دفتر نشر، نسبتی – به زعم این افراد- خلاف واقع به رهبر انقلاب وارد شود و رهبر قدرت ساماندهی موضوع و برخورد با آن را نداشته باشند؟! و حتی پس از جنجال بسیار، آن فرد باز توییت دیگری بزند و بر توییت قبلی تأکید کند و باز رهبری و اطرافیان معتمد ایشان ساکت بمانند و او را توبیخ و مواخذه نکنند و به مردم نگویند که فریب او را نخورید؟!

کسانی که بر طبل دوقطبی «آقا و دفتر آقا» می‌کوبند، اعتبارزدایی از مواضع غیررسمی رهبری را همپای اعتبارزدایی از دفتر رهبری پیش می‌برند. اکنون درباره آگاهانه یا ناخودآگاه بودن چنین اقدامی نمی‌خواهیم اظهارنظر کنیم، اما پیشینه‌ای که از این اقدامات در خاطره سیاسی ما مانده، نشان می‌دهد که دفتر رهبری بهانه است. اینکه چرا می‌خواهند اعتبار این مواضع رهبری را دچار خدشه کنند، می‌تواند دلایلی داشته باشد که در این نوشتار صرفاً دلیلی برآمده از نگاه خوش‌بینانه ذکر می‌شود و باقی‌اش بماند برای بعد!

با نگاه خوش‌بینانه، ما با جماعتی مواجه هستیم که مطابق با نگاه خود و برای خود یک آیت‌الله خامنه‌ای ساخته‌اند که البته با آیت‌الله خامنه‌ای موجود، به لحاظ فکری متفاوت است. این جمع وقتی در برابر موضعی از رهبر قرار می‌گیرند که با نظرات خودشان مخالف است، به جای تطبیق خود بر ولایت، تلاش می‌کنند ولایت را بر اصول پذیرفته شده خود منطبق کنند و حداقل در دلشان برای عبور از نظر رهبری، توجیهی وجدان‌پسند دست و پا کنند.

یک دوره‌ای قصه ارشادی و مولوی بودن دستورات ولی‌فقیه را علم و سعی کردند آن را تئوریزه هم بکنند، اما بازارش گرم نشد. تفسیر به رأی هم که همیشه شیوه‌ای مرسوم بوده است. اما در مواردی هم که مواضع رهبری با واسطه نقل می‌شدند، مسیر خدشه بر اعتبار راوی را طی کردند تا جایی که رهبری خود مواضع را علنی و به قولی «پشت بلندگو» بیان کنند.

در ماجرای نهی رئیس‌جمهور اسبق از کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری یک نفر از اعضای دفتر و نیز یکی از نزدیکان رهبر را به اقدام خودسرانه بی‌اطلاع رهبری متهم کردند. در ماجرای برجام یک عضو دیگر دفتر رهبری را، حالا در موضوع تذکر به برخی مسئولان، یک عضو دفتر نشر را. در موضوع واکسن گفتند رهبر مخالف واکسن بوده و مجبورشان کرده‌اند مقابل دوربین‌ها آب مقطر بزنند، در موضوع تعطیلی حرم‌های اهل‌بیت برای کرونا، مقابل نمایندگان رهبری ایستادند و... چه آنکه در همه موارد ذکر شده، پذیرش این موضوع که رهبری نظری خلاف نظر آنان دارد، برایشان دشوار بود. هر کسی را هم که با آن‌ها موافق نبود، تکفیر کردند، چنانکه اکنون هر منتقدی به بخشی از عملکرد گشت ارشاد را دنباله‌روهای اسرائیل و یهودی و اشاعه دهنده فحشا و منکر می‌دانند!

تبعات خطرناک این تندروی‌های تکفیری، به همین جا ختم نمی‌شود. امام خمینی هنوز در قید حیات بودند که برخی – از نهضت آزادی تا بیت آیت‌الله منتظری- به احمد آقا، فرزند ایشان تهمت جعل دستخط امام را زدند، چه آنکه آن نظرات را بر نمی‌تافتند. آن تهمت‌ها در ظاهر به مرحوم احمد خمینی بود، در باطن، اما به خود امام می‌خورد که آن همه از اقتدار خویش دور مانده که نزدیکان‌شان توانایی جعل دستخط‌شان را یافته‌اند و ایشان حتی پس از اطلاع عموم هم توانایی برخورد با جاعل و جاعلان را ندارند! هیئات!

اکنون هم این‌گونه است. رهبری که این جماعت می‌خواهند باید نقطه‌ضعفی داشته باشد. هیئات! آیت‌الله خامنه‌ای رهبر قدرتمندی است که به یک اشاره‌اش، خاکی که رژیم صهیونیستی اشغال کرده، هدف قرار می‌گیرد و معادلات سیاسی و نظامی جهان را تغییر می‌دهد، حال بگوییم اعضای دفترش می‌توانند به ایشان دروغ ببندند و بساط‌شان هم جمع نشود؟! از سویی، چه استبعادی است که این اعتبارزدایی‌ها بعدتر به همان تهمت‌های جعل دستخط نرسد و حکایت تلخ علیه امام را علیه رهبری هم نشنویم؟

تبعات خطرناک دوقطبی‌سازی از آقا و دفتر آقا را می‌بینید؟ نه آنکه بگوییم دفتر، خود آقا است؛ طبعاً چنین نیست، اما اینکه آنان در بیان مواضع رهبری، نقش مستقل یا خودسرانه دارند و می‌توانند نظری مخالف نظر رهبری را به عنوان نظر رهبری به جامعه قالب کنند و رهبری هم توانایی برخورد و کنترل اوضاع را ندارند، قابل پذیرش نیست.